

تصمیمات قضائی

۱ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۱۸۵۶}{۳۵/۹/۵}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

گردش کار - آقای کمال بطرفیت آقای امیر دادخواستی بخواسته تصرف عدوانی بدادگاه بخش تهران تقدیم و دعوی خود را چنین عنوان مینماید که خواننده در باغ معروف بیابغ نواقع در قریه کبودین شهریار که دو دانگ آن مشاعاً متعلق به خواهان است بدون اجازه شریک هفت حلقه چاه برای قریه خیرآباد ملکی خود حفر نموده و چون اقدام خواننده بدون اجازه خواهان بوده درخواست رفع ید از آنها را مینماید دادگاه بخش غیاباً و سپس حضوراً خواننده را محکوم به خلع ید مینماید از حکم مزبور تقاضای رسیدگی پژوهشی میشود دادگاه شهرستان مرجع رسیدگی پژوهشی با استدلال اینکه با توجه به تعریفی که از تصرف عدوانی در ماده ۲۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی شده است باید مال غیر منقول از تصرف متصرف سابق خارج شده باشد تا تصرف عدوانی واقع شود با حفر چاهها نه باغ و نه قسمتی از آن از تصرف آقای کمال خارج نگردیده است ثانیاً متصرف سابق فقط میتواند اعاده تصرف خود را نسبت بمال موضوع تصرف عدوانی درخواست نماید و حکم بخلع ید پژوهشخواه که نسبت بچهار دانگ از تمام اجزاء باغ متصرف بوده نسبت به شش دانگ چاهها مورد ندارد و بر فرض آنکه تصور شود آقای امیر با این عمل تصرف عدوانی کرده است در دو دانگ متعلق به پژوهشخواننده عدواناً تصرف کرده و نسبت بدو دانگ باید خلع ید نماید ثالثاً تفکیک تصرف شریک در مال مشاع از شریک دیگر صورت عمل بخود نمیگیرد تا اینکه تاریخ ابتدای تصرف را بتوان معلوم کرد و گفت از فلان تاریخ عدواناً تصرف واقع شده و بعلاوه تصرفات شریک در ملک مشاع بواسطه تصرفاتی که نسبت بسهم خود دارد نمیتواند عنوان عدوان داشته باشد و حکم بدوی را فسخ و خواهان را محکوم به بطلان دعوی مینماید از حکم مزبور تقاضای رسیدگی فرجامی شده و شعبه اول دیوان کشور چنین رأی میدهد: چون دادگاه عمل خواننده را دخالت در مال مشاع بدون اذن شریک دانسته است خواهان حق دارد که بر طبق مستفاد از ماده ۵۸۱ قانون مدنی منع دخالت خواننده را درخواست نماید و همین منظور هم از عنوان تصرف عدوانی داشته بنابراین صرف نظر از جواز یا عدم جواز اقامه دعوی تصرف عدوانی در ملک مشاع حکم بر بطلان دعوی در این مورد صحیح نبوده از این جهت حکم فرجامخواسته شکسته میشود پس از ارجاع امر بدادگاه شهرستان دادگاه نامبرده مجدد رسیدگی و چنین رأی میدهد - چون طرح دعوی بدوی از طرف وکیل خواهان در دادگاه بخش بعنوان جلوگیری از تصرف عدوانی بوده و عنوان تصرف عدوانی نیز بعمل خواننده بر فرض صحت صادق نیست زیرا تصرف عدوانی عبارت است از اینکه شخصی که متصرف در مال غیر منقول نبوده بدون مجوز قانون و عدوانی آنرا از تصرف متصرف

تصمیمات قضائی

اولی خارج نماید در چنین موردی متصرف اول باحراز تصرفات سابقه خود و تصرف لاحق طرف میتواند از دادگاه تقاضای جلوگیری از تصرف او برصدور حکم یا اعاده وضعیت را بصورت اول بنماید و در مورد بحث عملی تقدیر اینکه اقامه دعوی تصرف عدوانی در مورد املاک مشاع و مشترك هم جائز باشد باز هم تصرف عدوانی بمعنی که مذکور بر حسب حکایت بر گهای پرونده تحقق پیدا نکرده است زیرا خواننده دعوی اصلی (پژوهشخواه) ملك مشترك را از تصرف خواهان بدوی (پژوهشخوانده) خارج نکرده بلکه بدعوی پژوهشخوانده در مال مشترك بدون اجازه شریک اقدام بحفر چاه نموده است بناء علی المراتب چون عمل پژوهشخواه علی فرض صحت از مصادیق تصرف عدوانی نبوده است و طرح دعوی باین کیفیت موقعیت نداشته و دادنامه پژوهشخواسته از این جهت مخدوش و گسیخته میشود و دعوی خواهان بدوی بعنوان تصرف عدوانی قابل استماع نبوده و دادخواست مشارالیه بعنوان تصرف عدوانی مردود است از حکم مزبور از طرف آقای کمال تقاضای رسیدگی فرجامی شده و بشعبه اول ارجاع گردیده و اعتراضات این است که دادگاه اصولاً رعایت قانون را ننموده زیرا شکایت اینجانب تصرف عدوانی در ملك متصرفی اینجانب بوده است که فرجام خواننده حفر چاه در آن باغ برای قریه دیگر خود نموده و قانون مدنی این اجازه را بفرجامخوانده نمیدهد که در ملك اینجانب عدواناً دخالت و تصرف نماید و همچنین نسبت بمیزان خسارتی که دادگاه معین کرده اعتراض کرده است طرف هم پاسخ داده است هیئت عمومی دیوانعالی کشور بر ریاست رئیس دیوانعالی کشور با حضور دادستان کل کشور متشکل از آقایان رؤساء و مستشاران دیوانعالی کشور تشکیل است.

پرونده کلاسه ۱۷۱۱/۱۸ شعبه اول دیوانعالی کشور در تعقیب مذاکرات جلسه قبل مطرح گردید - پس از مشاوره و مذاکرات لازم در اطراف موضوع و کسب عقیده جناب دادستان کل کشور که مبنی بر ابرام بود به اکثریت آراء بشرح زیر رأی میدهند :

اعتراض فرجامخواه بر حکم فرجامخواسته باین خلاصه که دادگاه اصولاً رعایت قانون را ننموده چه شکایت او بعنوان تصرف عدوانی از این لحاظ بوده که فرجامخوانده حفر چاه در باغ مشترك برای قریه دیگر خود نموده و قانون مدنی این اجازه را به فرجامخوانده نداده که در ملك او عدواناً دخالت و تصرف نماید صحیح نمیشود زیرا بامقررات قانون قنوات مصوب ۱۳۰۹/۶/۶ که بموجب آن صاحبان املاک مزروعی و باغات دهات و باغات قصبات خارج از شهرها ممنوع شده اند از عمل کسیکه بخواهد چاه یا استخر یا مجرای قناتی در آن رقبات احدث نماید یا برای اصلاح یا تکمیل قناتی چاه یا مجرائی ایجاد کند جلوگیری نمایند حکم فرجامخواسته مبنی بر عدم انطباق عنوان تصرف عدوانی مقرر در ماده ۳۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی نسبت بعمل فرجامخواه که در باغ مشترك

بین او و فرجامخواه حفر چاه نموده مخالفتی با قانون نداشته و خالی از اشکال بوده و استوار میشود ..

۲ - جزائی

حکم شماره $\frac{۲۲۹۷}{۳۵/۹/۵}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

گزارش کار - شیخ عبدالوهاب ۵۳ ساله پسر غلامحسین شغل متصدی دفتر شماره ۲۷ ازدواج و طلاق اهل و ساکن زرنند کرمان با اتهام جعل در اسناد رسمی مورد تعقیب واقع و با اقامه دعوی از طرف دادرسی شهرستان و تطبیق جرم انتسابی بماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک ناظر بماده ۱۰۲ قانون مجازات عمومی و درخواست رسیدگی و صدور حکم بر مجازات او از دادگاه جنائی استان ۸ دادگاه مذکور بشرحیکه استدلال نموده عمل منسوب بمتهم را از مصادیق جعل مذکور در ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی ندانسته ولی باستناد اینکه چون بدون حضور و رضایت زوجه و فقط با حضور ولی قهری او عقد ازدواج را واقع ساخته در صورتیکه چنین حقی نداشته و نمیتوانسته بدون حضور طرفین سند را تنظیم و در دفتر ثبت نماید و عمل او منطبق با ماده ۱۰۰ قانون ثبت ناظر ماده ۱۰۳ قانون مجازات عمومی بوده او را مجرم تشخیص و برطبق شق ۷۳ ماده ۱۰۰ و ماده ۱۰۳ و مواد ۴۴ و ۴۵ قانون مجازات عمومی او را به شش ماه حبس تأدیبی و پرداخت یک هزار ریال هزینه دادرسی محکوم کرده و بر اثر فرجامخواهی محکوم علیه شعبه ۲ دیوانکشور رسیدگی و باین استدلال (چون دادگاه جنائی از حکم خود از نظر عدم کفایت ادله بر جعل و الحاق موضوع اتهام را از مصادیق ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی ندانسته و با تطبیق عمل ارتكابی بر شق ۳ ماده ۱۰۰ و ماده ۱۰۳ قانون ثبت حکم صادر کرده در صورتیکه در ماده مستند بها شرط تحقق جرم ثبت کردن سند بنام کسیکه معامله را نکرده است میباشد و در این مورد بحکایت ورثه ازدواج که صحت مندرجات آن در نظر محکمه ثابت بوده ولی قهری زوجه و ولایت از طرف مشارالیه طرف اینجانب بوده با اینوصف تطبیق عمل بر ماده استنادیه صحیح نبوده) حکم را نقض و رسیدگی را بدادگاه جنائی اصفهان ارجاع نموده دادگاه جنائی اصفهان بانجام تشریفات قانونی و تشکیل جلسه مقدماتی مرکب از سه نفر و اصدار قرار و رسیدگی و تعیین وقت احضار و رسیدگی در جلسه مقرر با حضور متهم و وکیل او و استماع متهم معترف است که عمل ازدواج را بعنوان ولایت علی غنی زاده جلد پدري و ولی قهری فاطمه انجام داده و مندرجات دفتر او هم همین عمل را حکایت دارد و با این وصف عمل او از مصادیق ماده ۱۷ قانون کیفر عمومی نبوده و نمیتوان آنرا جعل دانست ولی چون متهم بدون حضور فاطمه مبادرت بعقد ازدواج مشارالیه با احمد نموده و صریحاً این مراتب را تصدیق کرده و در هیچ یک از مواد قانون ازدواج و سردفتران رسمی و سایر قوانین موضوعه چنین اجازه بجد پدري و ولی قهری داده نشده که بدون حضور و رضایت مولی علیهای خود مبادرت بعقد ازدواج آنها نماید و موافق اعتراف متهم زوجه ادعائی حاضر نبوده

تصمیمات قضائی

و مشارالیه با عدم حضور او صیغه عقد را جاری و در دفتر وارد نموده در صورتیکه موافق قانون زوجه بایستی حاضر باشد مجرمیت او را محقق و عمل را با شق ۲ ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک منطبق و در حکم جعل دانسته و بر طبق ماده ۱۰۳ قانون مجازات عمومی و اجازه ماده ۴۴ آن قانون شیخ عبدالوهاب متهم را بششماه حبس تأدیبی و تادیبه یکهزار ریال هزینه دادرسی محکوم کرده و محکوم علیه از این فرجامخواسته و اعتراضی ننموده و پرونده بدیوان کشور ارسال و بشعبه ۲ ارجاع شده است .

هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس دیوانعالی کشور مرکب از آقایان رؤسا دادستان کل کشور تشکیل است .

هیئت عمومی دیوانعالی کشور پس از طرح قضیه و مشاوره در اطراف موضوع و کسب نظر جناب آقای دادستان کل کشور که بر قابل طرح نبودن موضوع در هیئت عمومی بود با توجه بگزارش پرونده و جریان امر موضوع را با اتفاق قابل طرح در هیئت عمومی ندانسته و تعیین تکلیف را از وظائف شعبه مرجوع الیهها دانست .

۳ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۱۸۵۵}{۳۵/۹/۹}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

ریاست محترم دیوانعالی کشور .

در پرونده‌های $\frac{۱۳۲۵}{۷}$ و $\frac{۱۳۲۵}{۱۱}$ احکام مغایری از شعبه ۵ و ۶ دیوانعالی کشور در مواردی که وکالت‌نامه و کیل ضمیمه دادخواست فرجایی نبوده صادر شده است با این توضیح که در پرونده اولی وکالت‌نامه و کیل پیوست نبوده دفتر اخطار رفع نقص نموده و کیل در پاسخ اشاره به بودن وکالت‌نامه در پرونده پژوهشی نموده و از تسلیم آن خودداری کرده است دفتر مورد را با مواد ۵۳۲ و ۵۳۴ آئین دادرسی مدنی تطبیق و قرار صادر کرده این قرار در شعبه ۵ دیوانعالی کشور با استدلال اینکه وکیل متعرض بودن وکالت‌نامه در پرونده بدوی شده و دفتر مکلف بمراجعه پرونده بوده شکسته شده است لکن شعبه ششم در وضع مشابهی قرار رد دادخواست را با استدلال آنکه ماده ۵۳۴ از قواعد آمره بوده و اعمال مدلول آن الزامی است (الزام وکیل بتقدیم وکالت‌نامه) بمورد و صحیح تشخیص داده است و با مراجعاتیکه به آقایان مستشاران دیوان کشور برای کسب نظر مشورتی در این مورد شده است آراء مختلفی داده‌اند و چون موضوع از نظر وکلاء و اصحاب دعوی و دفتر حائز اهمیت است لذا با عرض چگونگی کار چنانچه خاطر عالی اقتضا دارد مقرر فرمایند موضوع باستناد ماده واحده مصوبه ۳۲۸ مربوط بوحدت رویه قضائی در هیئت عمومی دیوانعالی کشور طرح شود .

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس دیوانعالی کشور با حضور دادستان کل کشور متشکل از آقایان رؤساء و مستشاران دیوانعالی کشور تشکیل است .

تصمیمات قضائی

پس از قرائت گزارش پرونده و مشاوره در اطراف موضوع و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل با اکثریت آراء رای داده شده که: باضمیمه نبودن و کالت نامه وکیل بحکم ماده ۵۳۴ قانون آئین دادرسی مدنی دادخواست فرجام قابل رد است.

۴ - جزائی

حکم شماره ۲۴۹۸ ۳۵.۹/۵

چون در باب رسیدگی بجرائم عمومی افسران و افراد ژاندارم از جهت صلاحیت دادگاههای دادگستری دادگاههای نظام بین شعب دیوانعالی کشور اختلاف نظر وجود داشت موضوع طبق قانون مربوط بوحدت قضائی مصوب ۲۸/۴/۷ حسب تقاضای جناب آقای دادستان کل در جلسه عمومی مورخ ۳۵/۸/۲۲ (۵ ساعت بعد از ظهر) دیوان مزبور با حضور دادستان کل مطرح و با ملاحظه احکام صادره از شعب دیوان مذکور که استدلال هر یک ذیلاً نقل میشود:

۱ - حکم شماره ۱۰۴۵ - ۲۴/۶/۲۸ شعبه دوم « چون برای بزه انتسابی بژاندارمهای مورد تعقیب که موضوع اختلاف واقع شده در ماده ۲۹۸ قانون کیفر ارتش مجازات معین شده و طبق قسمت اخیر ماده واحده مصوب ۲۹ آبانماه ۲۴ رسیدگی بان در صلاحیت دادگاه نظامی خواهد بود لذا دادستان دادگاه زمان جنگ مرجع شایسته تشخیص می گردد »

۲ - حکم شماره ۲۸۷۳ - ۲۹/۱۱/۱ شعبه پنجم « چون استدلال باز پرس دادگاه لشکر فارس باستناد مواد ۱۰۴ اصول محاکمات جزائی و ۹۰ و ۹۱ و ۱۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش مویداً بماده ۴۰۰ قانون مزبور صحیح و موجه است و بنا بر این استدلال دادرسی دیوان کیفر وجهی ندارد لذا مرجع تحقیق و رسیدگی باتهامات متهمین باز پرس دیوان حرب عادی لشکر فارس تشخیص میشود »

۳ - حکم شماره ۸۸۱ - ۲۱/۸/۱۴ شعبه نهم « نظر باینکه رسیدگی باتهامات مأمورین ژاندارمری از صلاحیت دادگاه ارتش خارج است و جرم متناسبه متهمین کیفرخواست و محتویات پرونده امر از جرائم عمومی است لذا حکم فرجام خواسته از باب صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم نقض و رسیدگی بدادگستری محل ارجاع میشود »

۴ - حکم شماره ۱۰۲۹ - ۳۵/۸/۷ شعبه دوم « ماده ۱۶ قانون مجازات سرتکین قاچاق این گونه جرائم را که از طرف مأمورین مربوطه ناشی میشود در حکم اختلاس دانسته و مجازات اختلاس را درباره آنان مقرر داشته و چون متهم ژاندارم و مستخدم دولت بوده و در موقع اقامه دعوی و رسیدگی دیوان کیفر عمال دولت تشکیل بوده و بحکم ماده قانون تشکیل دیوان مزبور دادگاه جنائی صلاحیت برسیدگی نداشته و در صلاحیت

تصمیمات قضایی

دیوان کیفر بوده مضافاً باینکه ماده مورد استناد دادگاه هم صحیح نبوده و حکم فرجام خواسته از این حیث هم مخدوش است لذا حکم مزبور نقض و رسیدگی مجدد بدیوان کیفر کارکنان دولت ارجاع میگردد.»

و پس از مذاقه در قوانین مربوطه و کسب عقیده جنات آقای دادستان کل که بر صلاحیت دادگاههای دادگستری بود چنین اظهار نظر میگردد.

نظر باینکه قید کلمه امنیه در ماده ۹۱ قانون دادرسی و کیفر ارتش در موقعی بود که سازمان ژاندارمری تابع وزارت جنگ بود و فعلاً بموجب ماده سوم قانون اصلاح قانون بودجه کل کشور سازمان مزبور ضمیمه وزارت کشور گردیده و بهمین جهت در قانون رسیدگی بجرائم عمومی مصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۲۲ ذکری از امنیه و یا ژاندارم نشده و اینکه بموجب ماده ۱۹ قانون آئین دادرسی کیفری افسران و افراد ژاندارم از ضابطین دادگستری میباشند بنابراین رسیدگی بجرائم عمومی مستخدمین مذکور در صلاحیت دادگاههای دادگستری است.

